



MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

حقوق نظام تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا

مهدی صابری^۱، احمد اسدیان^{۲*}، حسن مرادی^۳، علی آل بویه^۴

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.
۲. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق برخورداری از تأمین اجتماعی یکی از مهم‌ترین حقوق انسان‌هاست که در اسناد حقوق بشر، تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و نیز قوانین اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. آگاهی داشتن جوامع از حقوق تأمین اجتماعی نقش بسزایی در عدالت اجتماعی، آرامش خاطر و عزت نفس در افراد جامعه و حمایت از آنان در برابر کلیه مخاطرات ناشی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. امروزه با افزایش سریع جمعیت، پیچیدگی مسائل و وسعت نیاز این حقوق از اهمیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیار بالایی برخوردار شده و از شاخص‌های مهم توسعه و پیشرفت در کشورهای جهان محسوب می‌گردد.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و مراکز پژوهشی و اینترنت پرداخته شده و سپس پردازش داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده بهینه، استدلالی و عقلی برای ارائه مطالب و نتایج پژوهش مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها: تکوین نظام حقوقی تأمین اجتماعی یک ضرورت به حساب می‌آید و تدوین و تکمیل این نظام حقوقی مستلزم احراز اصول اساسی قابل قبول توسط حاکمیت و مردم است. این نظام حقوقی به منظور تحقق اهداف و استانداردها و راهبردهای ارزشیابی از لحاظ ساختاری و تقنینی، نظام دادرسی، بیمه‌ای، خدمات درمانی، حوزه سلامت و بهداشت، حمایت‌های امدادی از قبیل بیمه بیکاری و از کار افتادگی و تأمین منابع مالی بسیار جامع، پویا و کارآمد است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: برنامه تأمین اجتماعی ایالات متحده شامل سه جزء است که عبارت‌اند از: کمک‌های بازنشستگی، از کار افتادگی و کمک به بازماندگان. در این کشور طرح پرداخت مستمری‌ها به سه روش ذیل انجام می‌شود: مستمری مبتنی بر پرداخت حق بیمه، مستمری همگانی و مستمری تکمیلی مبتنی بر بررسی درآمد که پرداخت حداقل مقرر را برای کلیه مستمری‌گیران تضمین می‌نماید.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

واژگان کلیدی:

تأمین اجتماعی

نظام حقوقی

ایالات متحده آمریکا

* نویسنده مسؤول:

احمد اسدیان

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه حقوق.

کد پستی: ۱۹۹۸۸-۳۹۵۳۵

تلفن: ۲۱-۲۲۳۶۴۸۷۳

پست الکترونیک:

t.Asadian@gmail.com

۱. مقدمه

تأمین اجتماعی به عنوان ابزار استقرار عدالت اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان جایگاه ویژه و پوشش گسترده‌ای دارد. جهان امروز پس از گذار از مرحله «شناسایی حق» به دوران اجرایی شدن حقوق که از مفاهیم مرتبط با حقوق بشر می‌باشد، به کمال رسیده است. حقوق تأمین اجتماعی نیز از مقوله‌هایی بوده که همواره در این فرایند، نقش مهمی ایفا کرده است. تأمین اجتماعی از اصول بنیادین حقوق بشر است که انسان به دلیل انسان بودن، حق دارد از مزایای آن برخوردار شود (۱)؛ بنابراین باید در این راستا به منظور احقاق حقوق افراد، ساز و کارهای لازم پیش‌بینی شود.

نظام رفاه و تأمین اجتماعی یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها تلقی گردیده و به همین دلیل به عنوان مهم‌ترین اهرم برقراری عدالت اجتماعی در جوامع مدنی محسوب می‌شود و همواره مقوله‌ای در حقوق انسانی، حاکمیت ملی و در راستای صلح، ثبات و امنیت اجتماعی نقش عمده‌ای را ایفا نموده، به‌گونه‌ای که توسعه پایدار هر کشور در درازمدت با کمیت و کیفیت نظام رفاه و تأمین اجتماعی آن کشور همبستگی و رابطه‌ای مستقیم دارد.

امروزه لزوم برخورداری افراد از نظام رفاه و تأمین اجتماعی پویا و فراگیر که به راحتی و سهولت در دسترس افراد باشد ضرورتی انکارناپذیر است به‌گونه‌ای که می‌توان گفت که تأمین اجتماعی یکی از شاخصه‌های مهم و اصلی سطح رفاه هر جامعه است که معیار و مقیاس دقیقی برای سنجش میزان رضایتمندی یا عدم رضایتمندی از مجموعه حاکمیتی قلمداد می‌شود. زندگی در دنیای امروز با گذشته بسیار متفاوت است و نظام‌های اقتصادی به‌طور مرتب در حال تغییر است و نمی‌توان به آینده آن مطمئن بود. در کنار ثروت و رفاه عمومی که برای بخش اندکی از جمعیت جهان وجود دارد، فقر عمومی و بیکاری در جهان رو به گسترش است. صاحبان قدرت هر روز راه‌های تازه‌ای را برای به چنگ آوردن ثروت ملتها در پیش می‌گیرند و از سوی دیگر اقشار کارگر، کم درآمد و نیازمند جامعه هم ابزار و قدرت لازم را برای دفاع از

حقوق خود ندارند. در دنیای امروز نمی‌توان تنها به تدابیر فردی و اختیاری تأمین اجتماعی متکی بود. نظام تأمین اجتماعی با فعالیت و ارائه خدمات در سه حوزه بیمه‌ای، امدادی و حمایتی در کشورها در حال ارائه خدمت می‌باشد (۲). حقوق تأمین اجتماعی به‌مثابه ابزاری برای توزیع مجدد درآمدها، مظهر استقرار و تضمین امنیت و عدالت اجتماعی و موجد آرامش خاطر و عزت نفس در افراد، می‌تواند اهمیت و نقش بسزایی در حمایت از جامعه در برابر کلیه مخاطرات ناشی از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا نماید، به نحوی که امروزه به جهت اهمیت سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی از این اصول نه‌تنها به‌عنوان «ابزار و بستر توسعه» بلکه یکی از «اهداف توسعه پایدار» نام می‌برند. پرداختن به حقوق تأمین اجتماعی، مسئله و محور اصلی در هر برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود زیرا در میان اکثریت مردم کشورهای در حال توسعه، عدم تحقق اصول و برنامه‌های بیمه‌ای و حمایتی نظام تأمین اجتماعی، نخستین معیاری که این قبیل کشورها را از کشورهای پیشرفته جهان متمایز می‌سازد.

نظام تأمین اجتماعی در جهان با اصول پیوسته و سازمان‌یافته‌اش دارای ابعاد بسیار گسترده و فرآیند پیچیده‌ای است که تأثیرگذاری سیاست‌های منبعث از آن بر یکایک افراد جامعه از پیش از تولد (دوران بارداری) تا هنگام مرگ (بازماندگان) انکارناپذیر است (۳). هر نظامی برپایه اصولی پی‌ریزی شده تا با تکیه بر آن اصول به اهداف از پیش تعیین شده خود جامه عمل ببوشاند، بنابراین می‌توان گفت شرط تعالی و موفقیت هر نظام در تدوین درست، به‌کارگیری و اجرای دقیق و صحیح اصول آن نظام نهفته است.

اهمیت این نوشتار از این روست که با افزایش سریع جمعیت، پیچیدگی مسائل و افزایش وسعت نیاز به تأمین اجتماعی، تکوین نظام حقوقی تأمین اجتماعی یک ضرورت به حساب می‌آید و طراحی هر نظام جامع، مستلزم احراز اصول اساسی، قابل قبول و کارآمد و مورد قبول همگان است که این حقوق به‌منزله راهبردهای اساسی، وظیفه حاکم بر تأمین اجتماعی تلقی می‌شود. از همین رو با معرفی یکی از بهترین و

از قبیل بیمه بیکاری و از کار افتادگی و تأمین منابع مالی بسیار جامع، پویا و کارآمد است.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

۱- جواهری (۱۳۷۹)، در مقاله با عنوان تحولات در نظام تأمین و رفاه اجتماعی ایالات متحده آمریکا، موضوعاتی از قبیل جریان توسعه و ساختار تأمین و رفاه اجتماعی در ایالات متحده آمریکا، فرایند رو به رشد توسعه برنامه‌های رفاه اجتماعی و چگونگی تصویب قانون تأمین اجتماعی آمریکا در دهه ۱۹۳۰ میلادی و اصلاحات آن در دهه‌های بعد، نظام‌های بیمه‌ای و حمایتی تأمین اجتماعی در ایالات متحده، مزایا و جمعیت تحت پوشش تأمین اجتماعی در آمریکا و کیفیت و نحوه اعطای بیمه‌های بازنشستگی، بازماندگان و ازکارافتادگی و خدمات درمانی ارائه شده، منابع مالی برنامه‌های تأمین اجتماعی در ایالات متحده و نظام تأمین منابع مالی صندوق‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی را بررسی و تشریح نموده است (۴).

۲- السان و همی (۱۳۸۴) مقاله‌ای با عنوان روند شکل‌گیری حقوق تأمین اجتماعی در اسناد و موازین بین‌المللی با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام دادند و بررسی موضوع در این تحقیق نشان می‌داد که رابطه‌ی منسجمی از حیث حق و تکلیف بر تأمین اجتماعی میان دولت و مردم وجود دارد و لذا حقوق تأمین اجتماعی یکی از مقوله‌های حقوق بشر به شمار می‌آید (۵).

۳- کولیوند و عصمتی (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان قابلیت دادرسی حق بر تأمین اجتماعی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان در پرتو اسناد بین‌المللی انجام دادند. مطالعه تطبیقی حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که دادرسی حق بر تأمین اجتماعی در نظام حقوقی ایران دارای نارسایی‌های عمده‌ای بوده از جمله اینکه مرجع تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تأمین اجتماعی وجود ندارد و مساعدت اجتماعی هنوز حق قانونی تلقی نمی‌شود (۱).

بزرگ‌ترین مدل‌های نظام‌های تأمین اجتماعی در جهان، سعی گردیده برای سایر نظام‌های تأمین اجتماعی به منظور خدمات‌دهی بهتر به افراد و حوزه‌های مرتبط الگوسازی شود. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نظام حقوق تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که نظام تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا چه گام‌ها و برنامه‌هایی، در راستای پوشش گسترده مستمری‌بگیران و حوزه‌های مرتبط انجام داده است؟ به نظر می‌رسد نظام تأمین اجتماعی آمریکا با ارائه راهکارها و برنامه‌های متنوع سعی در ارائه گسترده‌ترین خدمات به افراد و حوزه‌های تحت پوشش خود نموده و با این شیوه در صدد جبران کاستی‌های موجود در این زمینه بوده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه مباحث حقوقی موضوعاتی مبتنی بر تفکر و اندیشه دارد روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها، با مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و منابع اینترنتی انجام شده و سپس پردازش داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده بهینه، استدلالی و عقلی برای ارائه مطالب و نتایج پژوهش مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

تکوین نظام حقوقی تأمین اجتماعی یک ضرورت به حساب می‌آید و تدوین و تکمیل این نظام حقوقی مستلزم احراز اصول اساسی قابل قبول توسط حاکمیت و مردم است. این نظام حقوقی به منظور تحقق اهداف و استانداردها و راهبردهای ارزشیابی از لحاظ ساختاری و تقنینی، نظام دادرسی، بیمه‌ای، خدمات درمانی، حوزه سلامت و بهداشت، حمایت‌های امدادی

«اصطلاح تأمین اجتماعی، بیانگر تأمین درآمدی است که به هنگام قطع درآمد به عللی از قبیل بیکاری، بیماری یا حادثه، جایگزین آن می‌شود و همچنین تأمین درآمد برای کسانی که به علت پیری بازنشسته شده‌اند و نیز آن‌ها که به سبب مرگ شخص دیگری از حمایت محروم مانده‌اند و تأمین مخارج استثنایی از قبیل هزینه‌هایی که به مناسبت تولد، ازدواج و یا مرگ پیش می‌آید. اصولاً تأمین اجتماعی یعنی حداقل درآمد» (۸).

واژه تأمین اجتماعی حداقل در قانون فدرال آمریکا راجع به تأمین اجتماعی که در سال ۱۹۳۵، به تصویب کنگره رسید، به مفهوم حقوقی مطرح شده و دارای مفهومی عام از حیث هدف حمایتی دولت است که از حالت محدود تعریف به بیمه و بیمه کارگران تا سیستمی از حمایت اجتماعی تمامی ضعفا و نیازمندان را شامل می‌شود (۹).

۵-۲-۲. حقوق تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی را باید دارای ریشه در قراردادهای خصوصی دانست که برای تأمین اجتماعی فردی از سوی شخص دیگری که دارای توان مالی بیش از او بود، انجام می‌گرفت. بعدها قراردادهای جمعی که باز هم جنبه حقوق خصوصی داشتند، برای تأمین جمعی کارگران یک کارخانه از سوی مالک آن منعقد گردید. این کار اغلب به منظور حفظ کارگران ماهر صورت می‌گرفت و هدف آن تأمین منافع خصوصی هر دو طرف بود.

«با تحول در مفهوم «حق» از حقوق فطری به حقوق ناشی از آزادی، تأمین اجتماعی چهره‌ای منظم یافت و وارد حقوق اساسی کشورها گردید. تحول نسبی حکومت‌ها به سوی جوامع مردم‌سالار و آشنایی یا ناگزیری آن‌ها از پذیرش حقوق تأمین اجتماعی، بعدها در اعلامیه‌ها و میثاق‌هایی که برای تضمین حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم مورد قبول جمعی نمایندگان دولت‌ها قرار گرفت، تبلور یافت. طبقه‌بندی‌های مختلفی از تأمین اجتماعی از حیث حقوقی به عمل آمده است که از جمله شامل تأمین اجتماعی همگانی و تأمین اجتماعی

۴- زمانی و آزاد دوین (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای به تبیین مفهوم و جایگاه حق تأمین اجتماعی در اسناد بین‌المللی پرداختند که نتایج این پژوهش گویای این است که حق برخورداری از تأمین اجتماعی در اسناد و مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی دولت‌ها از جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده و هر یک از دولت‌ها فراخور امکانات و منابع مالی خود سعی در تحقق آن برای شهروندان خود دارند، ولی با بررسی وضعیت موجود به‌ویژه در قلمرو شمول آن در حوزه سلامت و بهداشت و پیدایش برخی بیماری‌های جدید و همچنین سایر خطرات اقتصادی و اجتماعی که منجر به کاهش شدید درآمد افراد می‌گردد، این نتیجه حاصل می‌شود که تحقق مطلوب این حق می‌تواند اهرم مناسبی برای حفظ «حقوق انسانی» برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و همچنین «ثبات حاکمیت ملی» از طریق نیل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد (۶).

۵-۲. مفاهیم و مبانی

۵-۲-۱. تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی از جمله حقوق اساسی شهروندی است که در قالب برنامه‌های تأمین اجتماعی و خدمات عمومی رفاهی عمدتاً توسط دولت‌ها و یا سازمان‌هایی که از سوی دولت‌ها پدید آمده‌اند تأدیه می‌گردند. «این اصطلاح در لغت، از دو کلمه تأمین و اجتماع تشکیل شده است؛ که منظور از تأمین ایجاد امنیت خاطر در مقابل خطرها و ریسک‌های مورد نظر است، ولی کلمه اجتماعی رابطه این خطرها را با جامعه بیان می‌کند و نکته مهم در این میان تعریف خطرات مورد نظر در تأمین اجتماعی است. برخی از این خطرها شخصی است مانند بیماری، حوادث، بیهوشی، معلولیت، از کار افتادگی، کهولت و مرگ و میر و برخی خطرات نیز فراگیر است مانند خشک‌سالی، آفات محصولات، حوادث طبیعی، اغتشاشات و مانند آن‌ها. با این تعریف تأمین اجتماعی آثار ناشی از این خطرها را برای افراد جامعه در حد قابل تحملی کاهش می‌دهد» (۷).

مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند» (۱۳).

مطابق با بند ۲ همین ماده، کشورهای عضو باید برای رفع گرسنگی، از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. در مورد بند ۱ ماده ۱۱ میثاق باید توضیح داد که برخی از محققین میان دو جنبه تأمین اجتماعی، یعنی حمایت اجتماعی عمومی از یک سوی و ترویج استانداردهای برتر برای زندگی قائل به تمایز شده‌اند (۱۴).

ماده ۱۲ اصلاحی منشور اجتماعی اروپا، امضاکنندگان را ملزم به تأمین اجتماعی در سطح مطلوبی می‌نماید که حداقل برای تصویب قانون اروپایی درباره تأمین اجتماعی ضرورت دارد. همچنین کشورها باید برای ارتقای سطح تأمین اجتماعی اعطایی تلاش کنند. با این حال کمیته متخصصین بی‌طرف معیار منصفانه‌ای در این زمینه ارائه داده است. ماده ۱۳ دولت‌های عضو را به ارائه مساعدت اجتماعی مناسب که شامل پرداخت مزایایی براساس میزان نیاز افراد مختلف است، ملزم می‌کند (۱۵).

«از حیث سازمانی، در سطح بین‌المللی، «انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی» اقدام به مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تأمین اجتماعی در سطح بین‌المللی نموده و گزارش‌های راجع به فعالیت‌های این سازمان منتشر نموده است» (۱۶). این انجمن در سال ۱۹۲۷ ایجاد گردیده و با تمام مؤسسات غیرانتفاعی مرتبط با تأمین اجتماعی دارای ارتباط مستمر است. سمینارها و همایش‌های مختلفی نیز برای بررسی ملموس و مستقیم مسائل به‌روز تأمین اجتماعی در سطح جهانی، توسط این انجمن برگزار شده است.

۳-۵. قانون تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا

تصویب قانون تأمین اجتماعی در چهاردهم اوت سال ۱۹۳۵ دولت رفاه ایالات متحده را به جریان انداخت (۱۷).

نخستین برنامه‌های قانون تأمین اجتماعی بیمه سالمندان (Old Age Insurance (OAI)) افراد تحت تکفل و بازماندگانی که براساس اصلاحات سال ۱۹۳۹ مشمول این بیمه شدند، صندوق امانی بیمه سالمندان در قید حیات (OASI Trust)

متناسب با وضعیت افراد است که نمود آن را می‌توان در قوانین داخلی کشورها مشاهده کرد» (۷).

امروزه در سطح جهانی گرایش کمی برای پرداخت نقدی به افراد به‌عنوان جزئی از تأمین اجتماعی وجود دارد و تأمین اجتماعی اغلب به‌صورت بیمه، خدمات اجتماعی یا سایر مزایا که جنبه پایداری دارد، انجام می‌پذیرد. این تحول نیز مرهون هم‌فکری‌هایی است که در قالب اسناد جهانی و منطقه‌ای تنظیم گردیده و به لحاظ حقوقی یا اخلاقی برای کشورها الزام‌آور است (۱۰). حقوق تأمین اجتماعی، هم اکنون به‌طور قطع به رشته «حقوق عمومی» وابسته است و نمی‌توان تردید کرد که یکی از گرایش‌های حمایتی از افرادی است که به موجب اسناد حقوق بشر، حقوق کار و حقوق پناهندگی باید تحت حمایت قرار بگیرند. به‌طور کلی یکی از مؤثرترین راه‌حل‌های حقوقی برای حمایت از کارگران، حمایت از ایشان در مقابل حوادث ناشی از کار و تدوین نظام جامعی برای تأمین اجتماعی است (۱۱).

۲-۳-۵. حقوق تأمین اجتماعی در حیطه بین‌المللی

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره در صد شناسایی حداقل از حقوق تأمین اجتماعی برای بیکاران، بیماران، زنان و کودکان به‌طور کلی نیازمندان است. مع‌ذک تدوین‌کنندگان اعلامیه مبنای حداقلی از حقوق اقتصادی و اجتماعی که برای شرافت افراد ضروری بوده و در شأن ایشان باشد، تعریف نکرده‌اند.

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاوی یک قید عام برای حق تأمین اجتماعی می‌باشد که عبارت از بیمه اجتماعی است» (۱۲).

«به موجب ماده ۹ میثاق، «کشورهای طرف این میثاق حق هر شخصی را به تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های اجتماعی به رسمیت می‌شناسند» (۵).

ماده ۱۰ میثاق مشتمل بر مقرراتی در حمایت از کیان خانواده و تک‌تک اعضای آن است. نیز بنابر بند ۱ ماده ۱۱، «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و

خود به نام جامعه مرفه (affluent society) تعریف بهتری از ماهیت و میزان فقر ارائه کند (۲۱).

گالبرایت دو گونه فقر را شناسایی کرد: فقر موردی (case poverty) و فقر عمومی (insular poverty). برای مثال (۲۲) فقر موردی افرادی را دربرمی‌گیرد که به دلیل تحصیلات ناکافی یا عدم سلامت یا استفاده نادرست از پول دچار فقر شده‌اند. فقر عمومی ناشی از بیکاری ساختاری و نرخ اشتغال متفاوت است که تمام گروه‌های جمعیتی را بدون در نظر گرفتن شرایط فردی دربرمی‌گیرد، چنان که در مناطقی مثل آپالاشیا (appalachia) یا مناطق وسیعی از دیپ ساوث (deep south) رخ داد. برای گالبرایت در هر دوی فقر موردی و عمومی مسئله اساساً اشتغال‌پذیری بود و نه خود فقر. او که از اقتصاددانان متخصص سمت تقاضا و پیرو جان مینارد کینز بود، خدمات عمومی گسترده و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، مسکن و مهارت آموزی شغلی را توصیه کرد. او در سخنرانی‌ای که در حضور کمیته سیاست‌گذاری ملی در مورد قانون‌های فقر در واشنگتن دی سی در ۱۳ دسامبر ۱۹۶۳ ارائه کرد عقاید خود درباره این موارد با قطع و یقین ابراز کرد: شرایط منطقه‌ای، محیط محله‌های فقیرنشین، تبعیض نژادی در استخدام و دیگر عامل‌های علی و ساختاری که منجر به فقر می‌شود و همچنین سیاست سرمایه‌گذاری اصلاحی برای کاهش فقر، مانند کمک به تغییر محل کار کارگران و کمک به صنایع جدید، کمک به ارتقای تحصیلات، آموزش و بازآموزی و از بین بردن زاغه‌ها و محله‌های فقیرنشین (۲۳).

دیدگاه او درباره فقر در اصل جامعه‌شناختی است و با دیدگاه‌های قبلی که مبتنی بر ناشایستگی فردی و یا ضعف‌های اخلاقی بود کاملاً تفاوت دارد (۲۴).

پیش از بیانیه دولت لیندون جانسون (Lyndon baines johnson) مبنی بر مبارزه علیه فقر در سال ۱۹۶۴ اصلاحیه‌های رفاه عمومی (public welfare amendments) دولت جان اف. کندی (john F. Kennedy) در سال ۱۹۶۲ اولین اقدام اصلاحی عمده بود. این اصلاحات با ابعاد فرهنگی فقر سروکار داشت. کندی در ۱ فوریه ۱۹۶۲ حین ارائه برنامه خود به کنگره و خواندن اطلاعیه برنامه‌های رفاه عمومی اظهار

را ایجاد کردند و بیمه بیکاری (Unemployment insurance (UI)) (فصل ۲ و ۳ این قانون) بودند که هر دو از طریق مالیات بر حقوق تأمین مالی می‌شدند و تحت مدیریت دولت فدرال بودند. قانون تأمین اجتماعی با تکیه بر برنامه‌هایی که دولت‌های محلی و ایالتی برای افراد نیازمند ایجاد کرده بودند، چندین برنامه درآمد محور یا آزمون وسع را نیز برای سالمندان نیازمند، افراد نابینا و فرزندان تحت تکفل ایجاد کرد که منابع مالی آن‌ها به‌طور مشترک از دولت‌های فدرال و ایالتی تأمین می‌شد. آخرین برنامه از این سه برنامه کمک همگانی آزمون وسع - فصل ۴ این قانون - کمک به فرزندان تحت تکفل (Aid to Dependent Children (ADC)) نام گرفته بود که در دهه ۱۹۶۰ به برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل تغییر نام یافت. هدف کمک به فرزندان تحت تکفل فرزندان بود که از حمایت والدین محروم بودند خواه به دلیل فوت پدر و مادر و خواه غیاب مستمر آنان از خانه و یا به دلیل ناتوانی روحی یا جسمی والدین. کودکان دارای والدین مشمول این برنامه نمی‌شدند و این برنامه در عمل به کودکان بدون پدر محدود شده بود (۱۸).

در واقع قانون تأمین اجتماعی دو رویکرد را برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی جامعه ایجاد کرد:

الف) بیمه اجتماعی مشارکتی که در آن دریافت مزایا مبتنی بر کسب استحقاقی است که با پرداخت حق بیمه (مشارکت) از محل درآمد ناشی از کار در گذشته به دست می‌آید

ب) مساعدت همگانی که پس از اثبات نیاز اقتصادی (آزمون وسع) پرداخت می‌شود (۱۹).

مساعدت همگانی اقدامی موقت پنداشته می‌شد که تا زمان رسیدن برنامه بیمه اجتماعی به کفایت مزایا و گستره پوشش به کار گرفته شود. برنامه مساعدت همگانی برای کسانی نظیر فرزندان تحت تکفل، افراد نابینا و افراد سالخورده طراحی شد که پیوند ماندگاری به بازار کار نداشتند (۲۰).

ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۶۰ مجدداً به فقر به‌مثابه معضل اجتماعی پی برد. جان کنت گالبرایت (john Kenneth galbraith) اقتصاددانی بود که علی‌رغم فراوانی نسبی ثروت در آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی دوم تلاش کرد که در اثر

دهه ۱۹۹۰ در زمان دولت بیل کلینتون این معافیت‌های قانونی برای دور زدن قانون فدرال و عدول کامل از برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل استفاده شدند؛ همانند برنامه ویسکانسین (Wisconsin works) (۲۶).

۵-۳-۱. ارکان و ساختار تأمین اجتماعی ایالات متحده آمریکا

بیل کلینتون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، طی مراسمی تاریخی، سند قانون عمومی ۱۰۳-۲۹۶ را که به قانون استقلال تأمین اجتماعی و طرح‌های اصلاحیه (۱۹۹۴) مربوط است، امضا کرد. کلینتون به‌صورت نمادین از خودکار فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، برای امضای قانون استفاده کرد. روزولت ۵۹ سال پیش در روز ۱۴ آگوست ۱۹۳۵ قانون تأمین اجتماعی اصلی را با همین خودکار امضا کرده بود. قانون جدید به صورت رسمی اداره تأمین اجتماعی (اس اس ای) (Social Security Administration (SSA)) را از وزارت بهداشت و خدمات انسانی (اچ اچ اس) (Department of Health and Human Services (HHS)) جدا کرد. این قانون در روز ۳۱ مارس ۱۹۹۵ اجرائی شد و اداره تأمین اجتماعی را به حالت اولیه‌اش به‌عنوان یک آژانس ایالتی مستقل بازگرداند. (از سال ۱۹۳۹ اداره تأمین اجتماعی تحت نظارت آژانس مادر (parent agency) عمل می‌کرد). یک مدیر واحد، آژانس را با کمک هیئت دو حزبی مشاوره‌ای با هفت نفر عضو اداره خواهد کرد. همچنین در قانون جدید تغییرات عمده دیگری نیز وجود دارد که برنامه تأمین اجتماعی و برنامه درآمد اضافی تأمین اجتماعی (اس اس ای) (Supplemental Security Income (SSI)) را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۷).

۵-۳-۲. مهم‌ترین قوانین و برنامه‌های تأمین اجتماعی آمریکا

سابقه تاریخی برنامه‌های رفاه اجتماعی در ایالات متحده آمریکا به دهه‌های پایانی قرن نوزدهم باز می‌گردد. این برنامه‌ها به‌طور فراگیر و نظام‌مند نبوده‌اند و بیشتر در جهت حمایت از فقرا و متکدیان به اجرا در آمدند؛ اما پس از بحران اقتصادی

داشت که ماهیت و دلایل فقر نسبت به (بیکاری و رکود اقتصادی) که ویژگی دهه ۱۹۳۰ بود تغییر کرده است؛ زیرا امروز در سال کامیابی نسبی و اشتغال فراوان ما بیشتر نگران فقری هستیم که در دل فراوانی دوام می‌آورد. اطلاعیه کندی به‌جای امداد و مساعدت بر لزوم پیشگیری و توانمندسازی تأکید کرد. هدف برنامه‌های رفاهی این بود که از طریق ایجاد مهارت‌های جدید برای استقلال اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار افرادی که موفقیت و شانس کمتری داشتند قرار دهند. برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل یعنی تأمین هزینه‌های مالی خانواده‌های کم درآمدی که سرپرست آن‌ها در خانه بیکار است به‌طور موقت در سال ۱۹۶۱ تصویب شد البته چنانچه سرپرست بدون دلیل موجه از بازآموزی امتناع می‌کرد از دریافت کمک محروم می‌شد. اصلاحات رفاه عمومی در سال ۱۹۶۲ برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل را به مدت ۵ سال تمدید کرد (۲۵).

پس از اینکه کنگره درک کرد که دستمزدهای افراد دارای سلامت جسمانی در پروژه دریافت کمک در ازای کار می‌تواند به میزان دستمزد رایج باشد. این امر با صنعت خصوصی رقابت ندارد. همچنین با برنامه‌های مددکاری عمومی که توسط وزارت رفاه طراحی شده‌اند تداخل نمی‌یابد. آنگاه بخش ۱۱۱۵ از اصلاحات سال ۱۹۶۲ به ایالات اجازه داد تا از کمک دولت فدرال برای حفظ مددکاری جامعه‌ای (Community work) و پروژه‌های آموزشی برای بیکاران دریافت‌کننده کمک‌های رفاهی بهره‌مند شوند (۱۹).

این پروژه‌های اکتشافی (Demonstration project)، اولین معافیت‌های قانونی (waiver) بودند که به ایالات اجازه دادند ایده‌های جدیدی را در سیاست رفاه آزمایش کنند، البته ایده‌های جزئی و تحت رهنمون‌های جدی و سخت‌گیرانه فدرال (۲۴).

در دهه ۱۹۸۰ و در سرتاسر دولت رونالد ریگان معافیت‌های قانونی پروژه‌های اکتشافی توسط ایالت‌ها به‌عنوان ابزاری برای برنامه کمک دولتی به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل استفاده شد که طرح‌های نسبتاً کوچکی بودند. همچنین، در

برنامه‌های نیروی انسانی تحت قانون آموزش و توسعه نیروی انسانی ۱۹۶۲ در دولت جان اف کندی، قانون فرصت اشتغال ۱۹۶۴ در دولت جانسون و قانون استخدام اضطراری (Emergency Employment Act) ۱۹۷۱ که در سال مالی ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ حدود ۱۵۰۰۰۰ شغل عمومی را تصویب کرده بود (۱۹).

چشم‌انداز اقدام دولت به‌مثابه کارفرما به‌عنوان آخرین راه‌حل، حتی برای رسیدن به هدف اشتغال کامل از طریق ایجاد شغل، با توجه به هزینه‌ها و ایدئولوژی رایج یک گزینه سیاسی غیرقابل قبول بود که بلادرنگ رد شد (۲۸).

۵-۳-۵. برنامه‌های مهارت آموزی مرتبط با جوانان

در ایالات متحده از طریق انواع قوانین، به‌ویژه قانون اشتغال جوانان و پروژه‌های اکتشافی و قانون آموزش و مشارکت شغلی که هر دو در زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند، چندین برنامه مهارت‌آموزی برای جوانان اجرایی شد. این برنامه‌ها ارزیابی تجربی داشتند؛ مانند دانشگاه‌های شغلی (Career Academies (CA)، آغاز شغل (Career Beginnings (CB)، سپاه کار (Job corps)، قانون آموزش و مشارکت شغلی و برنامه‌های تابستانی آموزش و مهارت‌آموزی (summer training and education program (STEP)، برنامه‌های دیگر ارزیابی نیمه‌تجربی داشتند مانند موفقیت جوانان (Junior Achievement (JA)، دانشگاه‌های شغلی آموزش رسته جوانان ذخیره (Junior Reserve officer training corps – career)، و پروژه‌های آزمایشی جوانان مستحق انگیزش (Youth incentive entitlement pilot projects (YIEPP). یک ارزیابی غیرتجربی بر روی برنامه مشاوره جوانان در بیمارستان انجام شد. در اکثر موارد جمعیت مورد مطالعه و به کار گرفته شده در این افزایش نداده است؛ همچنین کمک‌های رفاهی آنان را کاهش نداده است. براساس ویژگی‌های زمینه‌ای هیچ اثر درآمدی مثبت قابل توجهی نیز بر هیچ کدام از ۳۹ زیرگروه جوانان یافت نشد. اور و همکاران براساس داده‌های خویش چند فرضیه رقیب را رد کردند:

۱۹۲۹ استقرار نظام رفاه اجتماعی که تمامی گروه‌های اجتماعی را دربرگیرد مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گرفت و بدین ترتیب با تصویب قانون تأمین اجتماعی سال ۱۹۳۵ بنیادی‌ترین برنامه رفاه اجتماعی زمینه‌سازی شد (۱۷).

۵-۳-۳. قانون آموزش و توسعه نیروی انسانی

کنگره قانون آموزش و توسعه نیروی انسانی (Manpower Development and Training Act) ۱۹۶۲ را به‌منظور رسیدگی به اقتصاد به‌طور ساختاری در دوره دولت جان اف کندی به تصویب رساند. این قانون ۱۹۶۲ به وزیران کار، بهداشت، آموزش و رفاه این اجازه را داد که پروژه‌های مربوط به آموزش مهارت‌های شغلی به بیکاران و دارندگان مشاغل نیمه وقت را که در مناطق جغرافیایی خود مورد تقاضا هستند، تأمین مالی کنند. ایالت‌ها با دریافت کمک‌های مالی مشروط از دولت فدرال عمل می‌کردند و مسئولیت این پروژه‌ها را بر عهده داشتند. بودجه اختصاص داده شده به ایالت‌ها در راستای آموزش‌های ضمن خدمت و سازمانی بود. کمک هزینه‌ها به‌طور مستقیم به کارآموزانی پرداخت می‌شد که باید پیش از آموزش دست کم یک سال سابقه کار داشته و عضو خانواده‌های با سرپرست شاغل نبوده باشند. افراد ۱۷ ساله بالاتر که دبیرستان را ترک کرده بودند و دیگر برای آن‌ها آموزش رسمی در دسترس نبود و فارغ‌التحصیلان زیر ۲۲ سال برای کمک هزینه تا سقف ۲۰ دلار در هفته واجد شرایط بودند. دولت فدرال همچنین ۹۰٪ از هزینه‌های نهادی مهارت‌آموزی شغلی و آموزش‌های مربوطه را تحت پوشش قرار داد و ایالت‌ها مابقی هزینه‌ها را به‌صورت نقدی یا جنسی پوشش دادند.

۵-۳-۴. برنامه قانون جامع آموزش و اشتغال

کنگره قانون جامع آموزش و اشتغال را به تصویب رساند و رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون آن را امضا کرد. هدف این بود که از فرصت‌های شغلی برای شاغلین و آموزش برای بیکاران و دارندگان مشاغل موقت اطمینان حاصل شود. این قانون مجموعه‌ای از قانون‌های سابق را با هم ترکیب و یکپارچه کرد:

۵-۳-۷. قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۹۸۸

بند اول از قانون حمایت خانواده: حمایت از کودک ریگان قانون حمایت از خانواده را «اصلاح واقعی رفاه» نامید و آن را در ۱۳ اکتبر ۱۹۸۸ امضا کرد. این در حالی بود که هزینه‌های خدمات رفاهی از ۱۱/۵ بیلیون دلار در ۱۹۸۰ به ۱۶/۷ بیلیون دلار رسیده بود و در طول آن دهه دریافت‌کنندگان کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل سالانه در حدود ۱۱ میلیون بودند (کمیتة امکانات مالی، ۱۹۹۴). قانون حمایت خانواده ۶ بند اصلی داشت (۳۲).

در بند اول به موضوع حمایت از کودکان و پابرجا کردن جایگاه پدری پرداخت شده بود. این بند مستلزم قطع فوری دستمزدهای مربوط به برنامه‌های جدید حمایت از کودکان بود که در ژانویه ۱۹۹۴ یا بعد از آن صادر شده بود (۳۳). بند دوم قانون حمایت از خانواده: ایجاد برنامه فرصت‌های شغلی و آموزش مهارت‌های اساسی.

بند دوم، بخش وزین قانون حمایت از خانواده این بود که تمام ایالت‌ها را ملزم می‌ساخت تا برنامه‌های رفاه کار محور را اجرا نمایند که این به معنای پایه‌ریزی کامل برنامه فرصت‌های شغلی عملی و آموزش مهارت‌های اساسی یا برنامه‌های رفاه به کار در اکتبر ۱۹۹۲ بود. تمام مادرانی که کوچک‌ترین فرزند آن‌ها ۳ ساله یا بزرگ‌تر بود؛ یعنی حدود ۴۰٪ از مادران برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل، به شرکت در برنامه فرصت‌های شغلی عملی و آموزش مهارت‌های اساسی ملزم بودند. بند دوم به ایالات مجوز می‌داد که یک برنامه مکمل کار را ارائه کنند که طی آن مجموع ذخایر ایالتی که در حالت عادی به‌عنوان مزایای برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل به شرکت‌کنندگان برنامه‌های فرصت اشتغال پرداخت می‌شد، به‌عنوان یارانه شغلی شرکت‌کنندگان استفاده شود. بند دوم همچنین به هر ایالت اجازه داد تا یک برنامه آزمایشی مددکاری جامعه‌ای را پایه‌ریزی کند (۳۲، ۳۳).

بند سوم از قانون حمایت از خانواده ایالت‌ها را موظف می‌کرد تا خدمات مراقبت از کودک را برای خانواده‌های «برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل» تضمین کنند، البته به میزانی که چنین خدماتی برای اشتغال یک عضو از خانواده

(الف) شرکت در برنامه ثبت‌نام‌کنندگان را از اشتغال بازداشته است و اینکه این کاهش درآمد افزایش‌های درآمدی زمان خروج از برنامه را خنثی می‌کند

(ب) اینکه جوانان نسبت به کسانی که وارد برنامه آموزش و مشارکت شغلی نشدند، خدمات بیشتری دریافت نکردند (ج) اینکه خدمات جوانان کیفیت پایینی داشت. آنان استدلال کردند که یافته‌هایشان نشان می‌دهد نیازهای آموزشی جوانان با بزرگسالان متفاوت است و اینکه برای مؤثرتر شدن آموزش جوانان آن‌ها نسبت به بزرگسالان می‌توانند از خدمات بیشتر و یا حداقل نوع متفاوتی از خدمات بهره‌مند شوند و به قانون آموزش و مشارکت شغلی در پی فراهم کردن بازآموزی در یک فضای کلاسی جدا از مهارت‌آموزی شغلی (center for employment training (CET) در سن خوزه کالیفرنیا اشاره نمودند که این رویکرد را استفاده کرده بود. ترکیب آموزش‌های کلاسی و مهارت‌آموزی بر برنامه‌های بزرگ‌تر طراحی شده برای پیشرفت نیروی کار و اصلاحات آموزشی شغلی برای بزرگسالان بی‌سواد و جوانان در طی دهه ۱۹۹۰ مسلط شد و تاکنون ادامه داشته است (۲۹).

۵-۳-۶. برنامه‌های توسعه نیروی کار

برنامه‌های توسعه نیروی کار و سایر برنامه‌های مربوط به آن تا حد زیادی بازتاب نگرانی‌ها درباره رقابت‌پذیری ایالات متحده در اقتصادی است که روزبه‌روز جهانی‌تر می‌شود و بر باز شدن مرزهای تجاری نفوذپذیر به روی کالاها و خدمات و نیز به روی سرمایه مالی و کار تأکید دارد. از دهه ۱۹۸۰ با از دست رفتن یک باره مشاغل کارخانه‌ای تمام وقت و پردرآمد و هم‌زمان با انشعاب مشاغل بخش خدمات که بسیاری از آن‌ها مشاغل آزاد و کم درآمد بودند و مابقی مشاغل پردرآمد و از نوع نیازمند مهارت‌های شناختی بودند، کاهش کلی در ایجاد مشاغل جدید رخ داد (۳۰).

در چند دهه گذشته نابودی مستمر مشاغل کارخانه‌ای پردرآمد که آموزش کمتری لازم دارند؛ به‌خصوص نابودی آن مشاغلی که مردان سفیدپوست را متأثر ساخته بود، توجه عمومی بسیاری را به خود جلب کرد (۳۱).

۵-۳-۹. برنامه‌های رفاه به کار و گذار به برنامه کمک**موقت به خانواده‌های نیازمند**

بین سال ۱۹۸۹، یعنی زمانی که ادارات رفاه دولت مجاز به اجرای برنامه رفاه به کار در برنامه فرصت‌های شغلی و آموزش مهارت‌های اساسی شدند تا ۱۹۹۶، یعنی زمانی که قانون حمایت خانواده (Family Support Act (FSA)) از طریق قانون تلفیقی فرصت کار و مسئولیت شخصی ملغی گردید، دولت‌های فدرال و ایالتی حدود ۸ میلیارد دلار در برنامه رفاه به کار فرصت‌های شغلی و آموزش مهارت‌های اساسی هزینه کردند (۳۵).

رفاه کار محور به‌عنوان برنامه‌ای تعبیر گردید که مستلزم شرکت کردن دریافت‌کنندگان برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل در برنامه‌های (الف) جستجوی شغل، تحصیلات و مهارت‌آموزی، یا (ب) خدمت مددکاری جامعه‌ای در ازای دریافت مزایا است (۳۶).

در مجموع نقدهای گوناگونی بر آن مطرح شد. اجرای برنامه رفاه کار محور در ایالت‌هایی که طی دهه ۱۹۸۰ تجربه‌های بسیاری در این رابطه کسب کرده بودند و نیز سهم بسیاری از بودجه فدرال را نسبت به سایرین به این برنامه اختصاص داده بودند، متفاوت بود (۳۷)؛ برای مثال مرلند، میشیگان، نیویورک، اوکلاهما و پنسیلوانیا، در ذیل پروژه‌های اکتشافی برنامه مشوق کار و بند چهارم از قسمت الف قانون تأمین اجتماعی، برنامه‌های اشتغال رفاهی را معرفی کردند. این ایالت‌ها برای مطابقت با قانون حمایت خانواده به اعمال تعدیل‌های اندکی در برنامه‌های پیشنهادی خود نیاز داشتند که همه آن‌ها به‌جز در مورد نیویورک در سال ۱۹۸۹ عملی شدند (۳۸).

۵-۳-۱۰. راهبردهای همگانی توسعه آموزش و نیروی**کار**

این بخش قانون بهبود و سرمایه‌گذاری مجدد آمریکا و طرح فارغ‌التحصیلی آمریکا را با توجه به واکنش دولت اوپاما نسبت به بحران مالی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۷ ارزیابی می‌کند. هر دو اقدام فوق، به هدف ایجاد شغل، آموزش و توسعه نیروی کار را با

و یا شرکت در فعالیتهای آموزشی مورد تأیید ایالت ضرورت داشت. ایالت‌ها ملزم بودند تا در مواقعی که خانواده استحقاق برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل را تحت شرایط خاص از دست داد، کمک هزینه درمانی را تا ۶ ماه ادامه دهد. بند چهارم شروط استحقاق برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل را حفظ کرد و ایالات را ملزم کرد تا مزایای برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل را برای هر خانواده‌ای برقرار کند که حائز استانداردهای مربوط به این برنامه است و فرزندان آن‌ها که به دلیل بیکاری سرپرست اصلی‌شان از حمایت والدینی محروم شده‌اند (۳۲، ۳۴).

۵-۳-۸. برنامه کمک موقت به خانواده‌های نیازمند و**برنامه اعتبار مالیاتی در آمد کسب شده**

بخش ۵-۱ روندهای عمومی مشارکت در برنامه کمک به خانواده‌های دارای فرزند تحت تکفل و برنامه کمک موقت به خانواده‌های نیازمند را از زمان ریگان تا جرج بوش نشان داده است؛ همچنین براساس داده‌های در دسترس، مشارکت در برنامه اعتبار مالیاتی درآمد کسب شده را از سال ۱۹۹۰ تا زمان دولت جرج بوش به نمایش گذاشته است.

بخش ۵-۲ پروژه‌های اکتشافی رفاه به کار را مرور می‌کند که در واقع ایالت‌های بسیاری را قادر ساخت بیاموزند چه چیزهایی برای انتقال مادران غیرشاغل دارای فرزندان صغیر به بازار کار و ایجاد زیرساخت‌ها و سازوکارهایی معتبر برای اجرای برنامه کمک موقت به خانواده‌های نیازمند لازم است.

بخش ۵-۳ با عنوان جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی رفاه چند و چون دریافت برنامه کمک موقت به خانواده‌های نیازمند مشارکت نیروی کار را از ۱۹۹۷ تاکنون بررسی می‌کند. مطالعات موجود بر تأثیرگذاری برنامه کمک موقت به خانواده‌های نیازمند بر دریافت‌کنندگان آن تأکید دارند.

فعالیت‌های مهارت‌آموزی، ۱/۲ میلیارد دلار کمک مالی برای ایالت‌های برای فعالیت‌های جوانان، نظیر اشتغال تابستانه، ۱/۲۵ میلیارد دلار به ایالت‌ها برای رسیدگی به شرایط کارگران بیکار شده و فعالیت‌های شغلی و مهارت‌آموزی و ۷۵۰ میلیون دلار برای وزارت کار بود که آن را صرف یک برنامه کمک رقابتی کند که برای کارگران آموزش و کاربایی در صنایع نوظهور را ارائه می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

تأمین اجتماعی یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است که به‌عنوان ابزار استقرار تأمین و عدالت اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان جایگاه ویژه و پوشش گسترده دارد و هر فردی در دوران زندگی‌اش باید بتواند حداقل نیازهای اجتماعی‌اش را فراهم کند. پرداختن به حقوق تأمین اجتماعی، مسئله و محور اصلی در هر برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود زیرا در میان اکثریت مردم کشورهای در حال توسعه، عدم تحقق اصول و برنامه‌های بیمه‌ای و حمایتی نظام تأمین اجتماعی، نخستین معیاری که این قبیل کشورها را از کشورهای پیشرفته جهان متمایز می‌سازد. نظام تأمین اجتماعی کشور آمریکا، در اکتبر سال ۱۹۳۵ به امضای روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا رسید. در زمان رکود اقتصادی شدید دهه ۱۹۳۰، هنگامی که میزان فقر در شهروندان عالی از ۵۰ درصد فراتر رفته بود، شکل محدودی از برنامه تأمین اجتماعی شناسایی و به‌عنوان معیاری برای اجرای بیمه‌های اجتماعی شروع به کار کرد. این قانون توسط کمیته تأمین اقتصادی روزولت تحت نظارت ادوین ای. ویت پیش‌نویس شد و در سال ۱۹۳۵ توسط کنگره به‌عنوان بخشی از New Deal تصویب گردید. این قانون کمک‌هایی را برای افراد بازنشسته و بیکار شامل می‌شد. تأمین اجتماعی در ایالات متحده یک برنامه بیمه اجتماعی است که توسط مالیات اختصاص داده شده بر دستمزدها تأمین مالی می‌شود. این برنامه همچنین به‌عنوان «برنامه بیمه سالمندی، بازماندگان و از کار افتادگی» شناخته می‌شود که سه جزء آن را منعکس می‌کند. در سال ۲۰۰۴ این برنامه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار

مشوق‌های آشکار تحصیلات دانشگاهی پیوند داد؛ به‌ویژه، آموزش و توسعه نیروی کار را به دانشکده‌های ۲ ساله‌ای پیوند داد که بر آموزش مهارت تأکید داشتند. تلویحاً در هر دو اقدام فوق مشاهده می‌شود؛ دو اقدامی که فرض را بر این قرار داده‌اند که افراد تحصیل کرده در بحران‌های اقتصادی بهتر قادرند از خود محافظت کنند و کمتر به یارانه‌های دولتی متکی باشند (۳۹).

ترویج تحصیلات دانشگاهی، حتی در اقتصادی دانش‌محور، با ریسک تحصیلات بیش از حد نیروی کار روبه‌رو است. با این حال، تحصیلات بیش از حد و غیرضروری در میان سفیدپوستان بیشتر از سیاه‌پوستان و در میان مردان بیشتر از زنان رایج است (۴۰). اگرچه الگوی مربوط به جنسیت با توجه به افزایش تعداد زنانی که به دانشکده‌ها وارد یا از آن‌ها فارغ-التحصیل می‌شوند، ممکن است تغییر یابد. در بازار کار فشرده (tight labor markets) افراد دارای تحصیلات بیش از حد بیشتر می‌توانند مشاغل بهتر را جستجو کنند و در بازار کار غیرفشرده داشتن شغلی که فرد در آن به دلیل ناکافی بودن دستمزد یا چالش‌های مربوطه ناراضی است، ممکن است به‌راحتی تحمل شود و بهتر از بیکار شدن تلقی گردد.

۵-۳-۱۱. قانون بهبود و سرمایه‌گذاری مجدد آمریکا

مصوب ۲۰۰۹

قانون بهبود و سرمایه‌گذاری مجدد آمریکا که اوباما آن را در ۱۷ فوریه ۲۰۰۹ به امضا رساند، به دنبال ایجاد و حفظ مشاغل، بهبود اقتصادی کشور و کمک به کسانی بود که بیشتر تحت تأثیر رکود اقتصادی بودند. بخش الف از این قانون ۱۲ بند مربوط به تخصیص اعتبار داشت و بخش ب دارای ۷ بند بود؛ مانند مالیات، بیکاری، سلامت، کمک مالی دولت و غیره. بخش الف بند هشتم این قانون، ۳/۹ میلیارد دلار برای «خدمات آموزشی و مهارت‌آموزی» فعالیت‌های تحت قانون سرمایه‌گذاری نیروی کار فراهم کرد و با قانون مشاغل سبز (green jobs act) تلفیق شد. تحت این قانون، بودجه فعالیت‌های تحت قانون سرمایه‌گذاری نیروی کار شامل ۵۰۰ میلیون دلار کمک مالی به ایالت‌ها برای اشتغال بزرگسالان و

جهت کمک پرداخت نموده است. برنامه تأمین اجتماعی ایالات متحده بزرگ‌ترین برنامه دولتی در جهان است. احتمال تغییر نظام تأمین اجتماعی یک موضوع سیاسی مهم در سال ۲۰۰۵ بود. برنامه تأمین اجتماعی ایالات متحده شامل سه جزء

است که عبارت‌اند از: کمک‌های بازنشستگی، از کار افتادگی و کمک به بازماندگان. در این کشور طرح پرداخت مستمری‌ها به سه روش ذیل انجام می‌شود: مستمری مبتنی بر پرداخت حق بیمه، مستمری همگانی و مستمری تکمیلی مبتنی بر بررسی درآمد که پرداخت حداقل مقرری را برای کلیه مستمری بگیران تضمین می‌نماید. در کشور آمریکا بیمه‌شده می‌بایست ۳۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه را به‌منظور برخورداری از مزایای مستمری داشته باشد. کشور آمریکا در بخش درمان به‌صورت فعال و گسترده وارد عمل شده است و در قالب ۲ طرح بیمه‌ای اجباری و طرح بیمه همگانی به بیمه‌شدگان خدمات پزشکی و درمانی ارائه می‌کند. برابر قانون اساسی آمریکا مسئولیت موارد بهداشتی و درمانی بر عهده حکومت‌های ایالتی است و دولت فدرال هم در اداره امور طرح‌های بیمه درمانی مشارکت فعال دارد.

۷. تشکر و قدردانی

نویسندگان از کلیه کسانی که در راه گردآوری و تهیه پژوهش حاضر ما را یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی دارند.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان پژوهش از معیارهای نویسندگی براساس پیشنهادهای کمیته بین‌المللی مجلات پزشکی برخوردار هستند.

۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر تضاد منافع ندارد.

References:

- Kolivand H, Esmati Z. Judicabilty Of The Right To Social Security: A Comparative Study In Iranian And English Law, In The Light Of International Human Rights Instruments. *The Judiciary's Law Journal*. 2014;78(85):83-112.
- Khaleghparast H, Resekh M, Naimii E. Legal Analysis of Iran's Social Security in Light of the Principles and Patterns of a Desirable Social Security System. *Social Welfare Quarterly*. 2017;17(64):9-37.
- Badini H, Esmati ZE. A Critical Study of the Application of the Governing Principles of Social Security in Iran's Law. *Social Welfare Quarterly*. 2012;12(44):199-230.
- Javaheri H. Developments in the United States Supply and Welfare System. *Journal of Social Security*. 2000;2(2):191-220.
- Elsan M, Hemati M. Process of Social Security Configuration in International Norms and Regulations. *Social Welfare Quarterly*. 2006;5(19):253-78.
- Zamani SG, Azad Devin A. Concept and Place of Social Security Right in International Documents. *Iranian Journal of Medical Law*. 2017;11(42):7-40.
- Rad Nasab B. A look at the role and importance of the social security system. *World Economy Newspaper*. 2009.
- Feyzzadeh A, Saeed M. Investigating the concept of welfare and social security in Iran and the world. *Social Security Research Institute*. 2000;1:64.
- Watson P. *Social Security Law of the European Communities*. Oxford: Mansell; 1980.
- Scheinin M. *The Right to Social Security*. Asbjorn E, Catarina K, Allan R, editors. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers; 1995.
- Badini H. Social Security System at Work-Related Accidents in Iranian and French Law (Part 1). *Social Security Law Quarterly*. 2003;1:5.
- Alfredsson GS, Eide A. *The Universal Declaration of Human Rights: a common standard of achievement*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers; 1999.
- Amir Arjmand A. *Collection of International Documents on Human Rights*. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2002.
- Kannan KP. *Social Security, Poverty Reduction and Development*. ESS Extension of Social Security Paper. 2004(21).
- O'Keeffe D, La Torre M. *European citizenship: an institutional challenge*. the Netherlands: Kluwer Law International; 1998.
- McKinnon R. Promoting social security worldwide: The role of the ISSA. *International Social Security Review*. 2004;57(3):3-23.
- Caputo RK. *Welfare and freedom American style: The role of the federal government, 1900-1940*. Lanham, Maryland: University Press of America; 1991.
- Goldberg GS, Collins SD. *Washington's New Poor Law: Welfare Reform and the Roads Not Taken--1935 to the Present*. Washington: Rowman & Littlefield Publishers; 2001.
- Caputo RK. *Welfare and freedom American style II: The role of the federal government, 1941-1980*. New York: Federal Responses to People in; 1994.
- Heclo H. The politics of welfare reform. In R. M. Blank & R. Haskins (Eds), *the new world of welfare* (pp. 169 – 2000). Washington: Brookings Institution Press; 2001.
- Parker R. *John Kenneth Galbraith: His Life. His Politics, His Economics*. New York: Farrar, Straus & Giroux; 2005.
- Galbraith JK. *The affluent society*. 3 ed. New York: New American Library; 1998.
- Galbraith JK. *A journey through economic time: a firsthand view*. Boston: Houghton Mifflin; 1994.
- Rogers-Dillon RH. *The welfare experiments: Politics and policy evaluation*. London: Stanford University Press; 2004.
- Stern MJ, Axinn J. *Social welfare: A history of the American response to need*. New York: Harper & Row; 1975.
- Boehnen E, Corbett T. Welfare waivers: Some salient trends. *Focus*. 1996;18(1):34-7.
- Disimone RL. *Social Security Administration Created as an Independent Agency: Public Law 103-296*. *Social Security Bulletin*. 1995;58(1):57-65.
- Gans HJ. Three ways to solve the welfare problem. *New York Times Magazine*. 1971;7.
- Goldin C, Katz LF. *The race between education and technology*. Cambridge: Harvard university press; 2009.
- Farber HS. Job loss in the United States, 1981-2001. *Research in Labor Economics*. 2004;23(1):69-117.

31. Harrison B, Bluestone B. The great U-turn: Corporate restructuring and the polarizing of America. New York: Basic Books; 1990.
32. Mink G, Piven FF. Welfare: A documentary history of US policy and politics. New York: NYU Press; 2003.
33. Caputo RK. The Reagan Administration and Public Assistance. In: Berman M, editor. US Social Welfare Reform. Pasadena, CA: Salem Press; 2008. p. 1038-41.
34. Caputo RK. Limits of welfare reform. Social Casework. 1989;70(2):85-95.
35. Karier TM. Job opportunities and basic skills: Perspectives from eight states. Washington: TA-00, Olympia 98505; 1996.
36. Paz-Fuchs A. Welfare to Work: Myth and Fact, Social Inclusion and Labour Exclusion. Oxford Journal of Legal Studies. 2008;28(4):797-817.
37. Hagen JL, Lurie I. Implementing JOBS: Progress and promise. New York: Rockefeller Institute of Government, State University of New York; 1994.
38. Hagen JL, Lurie I. How 10 states implemented JOBS: a study looks at states' choices during the initial stages. Public Welfare. 1992;50:13-21.
39. Easterbrook G. Sonic boom: Globalization at mach speed. Manhattan: Random House Incorporated; 2011.
40. Rubb SD. Overeducation: A short or long run phenomenon? International Advances in Economic Research. 2002;8(2):173-4.



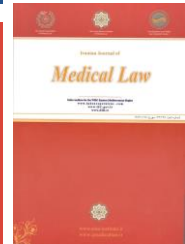
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e42.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

United States Social Security System

Mahdi Saberi¹ , Ahmad Asadian^{2*} , Hassan Moradi³, Ali Alebouyeh⁴

1. PhD Student in Public Law, Department of Law, UAE Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Tehran University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Azad Islamic University, Yasuj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 27 December 2020

Accepted: 6 May 2021

Published online: 3 June 2021

Keywords:

Social Security

Legal System

United States

* Corresponding Author:

Ahmad Asadian

Address: Department of Law, Central
Tehran Branch, Azad University,
Tehran, Iran.

Postal Code: 19988-39535

Telephone: 21-22364873

Email: t.Asadian@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The right to the enjoyment of social protection is one of the most important human rights in human rights instruments, international obligations of states as well as fundamental laws. Awareness of social protection rights has a significant role in social justice, peace of mind, and self-esteem in the people of society and to protect them from all risks arising from economic, social, and cultural crises. Today, with the rapid population increase, the complexity of issues and the extent of the need for these rights are of great importance, political and social importance and is one of the important indicators of development and development in the world countries.

Materials and Methods: In this study, using the descriptive-analytical method to collect information through the review of books, articles and theses, and research centers and internet and then data processing and data collected by optimum, discursive, and rational use are considered to provide relevant literature and research results.

Results: The development of the legal system of social security is a necessity, and the formulation and completion of this legal system requires an acceptable constitution by the sovereignty and the people. This legal system to achieve the objectives and standards and evaluation strategies in terms of structure and legislation, judicial system, insurance, health services, health, relief support such as unemployment and disability insurance and providing very comprehensive, dynamic and It is efficient.

Ethical considerations: To organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty, and fidelity have been observed.

Conclusion: The U.S. A Social Security Program consists of three components: retirement aid, paralysis, and aid to survivors. The bill will be paid on the following three procedures: the pension based on the payment of the premium, the public allowances, and supplementary allowances, which ensure that the minimum monthly allowance is guaranteed for all pensioners.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Saberi M, Asadian A, Moradi H, Alebouyeh A. United States Social Security System. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e42.